



ISSN:2588-7033



The Strategy of Abbas Mirza Nāyeb-al-Saltana for Streamlining the Qajar Army in Wars

Rasul Zarei ^{a*}, Hamid Asadpour ^b

^a PhD Student in History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

^b Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

KEYWORDS

Qajar dynasty, Abbas Mirza army, new system of military reforms

Received: 30 April 2023;
Accepted: 18 December 2023

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2023.709424

ABSTRACT

The confrontation of the Qajar army with the extensive invasions of Russia and the threat of the country from a foreign power at the beginning of the 19th (13th AH) century, brought the necessity of changing the traditional structure of the army and its fighting tactics to the minds of some distinguished men of that era, especially Abbas Mirza Nāyeb-al-Saltana (1789-1833) who was the commander of the troops on the battlefield. The military strategy of the Crown Prince was mainly focused on making the military power of the army more efficient by modernizing the organization, equipment and tactics of warfare, using the European system, and taking advantage of the guidance and training offered by foreign instructors. In the present descriptive-analytical study, by posing the question of the necessity of adopting such a strategy, an attempt is made to explain and analyze the military strategy of Abbas-Mirza in the form of the reform program of the new system through examining the situation of the traditional forces of the early Qajar period. The findings of the research show that the adoption of the army reform program has been influenced by the objective reality of the fighting with a regular and well-equipped army, a necessity and a conscious strategy for streamlining and organizing of a similar army, to confront and overcome the aggressor opponent and to neutralize the movements and internal conflicts of rebellions and rioters, which has overall led to the consolidation of power and the sovereignty of Qajar dynasty.

* Corresponding author.

E-mail address: rasulzm94@gmail.com

2024 Published by Arak University Press. All rights reserved.





راهبرد عباس میرزا نایب السلطنه در کارآمدسازی قشون قاجار در جنگ‌ها

رسول زارعی^{الف*}، حمید اسدپور^ب

^{الف} دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، rasulzm94@gmail.com
^ب استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، asadpour@pgu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
قاجاریه، عباس میرزا، قشون، نظام جدید، اصلاحات نظامی	رویارویی قشون قاجار با تهاجمات گسترده روسیه و تهدید کشور از سوی یک قدرت بیگانه در آغاز سده ۱۳ ق. ۱۹ م.، ضرورت تغییر در سازمان سنتی قشون و شیوه جنگی آن را در ذهن برخی از رجال آن عصر به ویژه عباس میرزا نایب السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق. ۱۷۸۹-۱۸۳۳ م.) که فرماندهی قشون صحنه پیکار را در دست داشت، پدید آورد. راهبرد نظامی نایب السلطنه بر کارآمدسازی توان نظامی قشون با نوین‌سازی سازمان، تجهیزات و شیوه جنگ، با الگوبرگشتن از نظام اروپایی و بهره‌گیری از راهنمایی و آموزش مربیان خارجی، متمرکز شد. در این مقاله، با طرح این پرسش که: ضرورت اتخاذ چنین راهبردی چه بوده است؟ کوشش می‌شود تا به روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی وضعیت قشون سنتی اوایل قاجاریه، راهبرد نظامی عباس میرزا در قالب برنامه اصلاحات نظام جدید، تبیین و تحلیل گردد. یافته پژوهش نشان می‌دهد که اتخاذ برنامه اصلاحی قشون متأثر از واقعیت عینی صحنه میدانی پیکار با ارتشی منظم و مجهز، ضرورت و راهبردی آگاهانه جهت کارآمدسازی و سازماندهی قشونی همانند، برای مقابله و غلبه بر حریف مهاجم و خنثی‌سازی تحرکات و ناآرامی‌های داخلی سرکشان و شورشیان بوده است که در مجموع به تثبیت قدرت و حاکمیت سلسله قاجارها می‌انجامیده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

در طول تاریخ ایران همواره قدرت نظامی مهمترین عامل برای رسیدن به حکومت و سلطنت و به دنبال آن تأمین امنیت بوده است. براین اساس، حکومتی که فاقد قدرت نظامی کافی بود، توان لازم برای برقراری امنیت را هم نداشت. حکومت قاجار در آغاز از وجود ارتشی مدرن و مجهز به فنون روز دنیا کاملاً بی‌بهره بود. هسته اصلی قشون قاجار را نیروهای ایلپاتی و خوانین محلی تشکیل می‌دادند که از انسجام و نظم لازم برخوردار نبودند. با شروع جنگ‌های دوره اول ایران و روس و فضای ناامنی خارجی ناشی از آن، عباس میرزا و برخی از رجال سیاسی قاجار نظیر میرزا عیسی قائم‌مقام (درگذشت ۱۲۳۷ ق. ۱۸۲۱ م.) در بحبوحه جنگ به ناکارآمدی قشون ایران و شیوه جنگ پی بردند و درصدد استفاده از وجود مربیان و مشاوران اروپایی فرانسوی و انگلیسی برای اصلاح امور لشکری برآمدند. هدف عباس میرزا ایجاد تغییراتی در ارکان مختلف قشون شامل، سازمان و ترکیب نیروها، امکانات و تجهیزات نظامی و کاربرد مؤثر تفنگ و توپ در قشون، نظم و انضباط سپاهیان، رشد دانش نظامی و تقویت استحکامات دفاعی در مناطق مرزی بود. تکیه اصلی او ضمن اصلاح و تقویت سواره‌نظام، بر پیاده‌نظام و توپخانه و کارآمدسازی آنها در برنامه «نظام جدید» بود. در این مقاله با طرح این

* نویسنده مسئول

پرسش که ضرورت رویکرد عباس میرزا به تغییر قشون سنتی و ایجاد نظام جدید چه بوده است؟ بر این فرضیه تأکید شده که این ضرورت، راهبردی آگاهانه و متأثر از شرایط جنگی موجود زمانه او بوده که با کارآمدسازی قشون و برتری یافتن در میدان جنگ، هم بر مشکلات داخلی غلبه و هم در برابر تهاجمات بیرونی پایداری کند و در نهایت قشونی منظم و مجهز را در خدمت تثبیت و تداوم قدرت در سلسله قاجاریه به کار گیرد.

پیشینه پژوهش

در باره اصلاحات نظامی عباس میرزا از زوایای مختلف پژوهش‌هایی صورت گرفته است. کسانی با رویکرد تألیفی به شرح زندگی، خدمات و اقدامات عمرانی، مالی و نظامی عباس میرزا و به‌ویژه نقش او در جنگهای ایران و روسیه پرداخته‌اند. از این دست تألیفات می‌توان به نوشته‌های: ابوالقاسم لاجینی (۱۳۲۶)، ناصر نجمی (۱۳۲۶، ۱۳۷۴)، مجتبی موسوی طبری (۱۳۵۳)، امینه پاکروان (۱۳۷۶، ۱۳۷۷)، سعید موغانلی، جوانشیر موغانلی و امینه پاکروان (۱۳۸۸) اشاره کرد. دسته‌ای از پژوهش‌ها به اقدامات و اصلاحات عباس میرزا به‌ویژه اصلاحات نظامی او توجه کرده‌اند. عبدالقادر براهویی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: عباس میرزا نایب‌السلطنه (بررسی اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی عباس میرزا)، توصیفی از همه اقدامات او به‌دست داده است. مجتبی خالقی (۱۳۹۴) در «اصلاحات نظامی عباس میرزا نایب‌السلطنه» و هاشم ملکشاهی و مرضیه حسنی (۱۳۹۵) در «فرایند تحولات نظامی ایران عصر فتحعلیشاه با تأکید بر اصلاحات نظامی عباس میرزا و پیامدهای آن»، آگاهی‌هایی درباره اقدامات نظامی عباس میرزا به‌دست داده‌اند؛ اما بیشتر به دلایل و عوامل ناکامی اصلاحات و اقدامات نظامی او پرداخته‌اند. فریده فرهمندزاده و همکاران (۱۳۹۶) به «بررسی روند و فرجام نوسازیهای مالی و عمرانی عباس میرزا نایب‌السلطنه در آذربایجان» پرداخته‌اند. از محققان خارجی، استفانی کرونین^۱ (۲۰۱۲) در مدخل «ارتش در عصر قاجاریه»، اشاره‌ای اجمالی به اصلاحات نظامی عباس میرزا دارد که برگرفته از گزارش‌های سفرنامه‌های اروپائیان است و نکته خاصی دربر ندارد. هربرت بوسه^۲ (۱۹۸۵) نیز در مدخل «عباس میرزا قاجار» به شرح زندگانی و اقدامات او و حضور در دو دوره جنگ‌های ایران و روسیه پرداخته است. این مدخل‌ها به انگلیسی و در Encyclopaedia Iranica به چاپ رسیده‌اند. در مجموع این نوع پژوهش‌ها بیشتر به شرح اقدامات عباس میرزا بدون طرح مسأله‌ای خاص پرداخته‌اند. تمایز پژوهش پیش رو با مواردی که ذکر شد این است که، با بررسی وضعیت قشون در آغاز حکومت قاجاریه، به راهبرد نظامی عباس میرزا، که اصلاح در سازمان و تجهیزات قشون در جهت کارآمدسازی آن در جنگهای با دشمنان بود، پرداخته است. امری که ضروری بود و از اندیشه اصلاحی او و وزرای کاردانش میرزا عیسی و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی نشأت گرفت. در واقع این پژوهش به چرایی اقدامات نظامی عباس میرزا توجه دارد و بین اصلاحات نظامی او و توانمندسازی و کارآمدی قشون در میدان‌های نبرد رابطه برقرار کرده است که تداوم و تقویت آن می‌توانست شرایط جنگها را به نفع قاجارها تغییر دهد.

بحث و بررسی

فلسفه وجودی نیروی نظامی در حکومتها در بُعد داخلی برقراری امنیت و انتظام و حفظ کشور از بروز شورشها و ناآرامیهای داخلی بوده و در بُعد بیرونی حفظ و حراست از مرزهای کشور و دفاع و بازدارندگی در برابر تهاجم دشمنان و در مرحله‌های بالاتر، گاهی پیشروی به خاک دیگر کشورها برای تصرف سرزمینی، اشغال و یا انهدام قدرت رقیب و متخاصم بوده است. طبیعی است که

¹. Stephanie Cronin

². H. Busse

به لحاظ کارکردی، قدرت نظامی با واژه جنگ همراه بوده و بخش مهمی از اهداف سیاسی حکومتگران از طریق نیروی نظامی و جنگ تحقق می‌یافته است. از اینرو، می‌توان جنگ (در انگلیسی War) را یک درگیری شدید مسلحانه واقعی، ارادی و گسترده میان دولت‌ها، حکومت‌ها، جوامع یا گروه‌های شبه‌نظامی تلقی کرد که در حالت عدم آن، وضعیت صلح و آشتی برقرار است. در واقع جنگ عملی مبتنی بر زور است تا دشمن را مجبور به انجام خواسته خود کرد (ر.ک. نخجوان، ۱۳۱۸: ۷۵-۷۷) و در جنگ‌های متعارف دو طرف به دنبال کاهش توان نظامی طرف مقابل در یک درگیری رودررو هستند. به تعبیری، «جنگ، هنر سازمان دادن و به کارگرفتن نیروهای مسلح برای انجام مقصود است» (شیرودی، ۱۳۸۴: ۳). پس در جنگ مفاهیمی مانند مقابله مسلحانه، استفاده از فناوری‌ها و تجهیزات نظامی توسط نیروهای مسلح، بکارگیری تاکتیک‌های نظامی و تحرک عملیاتی در قالب یک راهبرد نظامی، آشکار می‌شود. برتری و پیشی گرفتن در جنگ منوط به وجود «سیاستمدار بلندپرواز، فعال و مقتدری است که مقصود معینی را هدف ساخته و نیروهای کشور را همواره تازه‌نفس و آماده کار نگه داشته، وحدت، همکاری و تشریک مساعی همیشگی آنها را محفوظ دارد» (نخجوان، ۱۳۱۸: ۷۵). این راهبرد نظامی از سیاست دفاعی یک کشور نشأت می‌گیرد. سیاست دفاعی عبارت است از خط‌مشی‌ها و راه‌کارهای یک دولت اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره، برای به‌کارگیری عناصر قدرت ملی به منظور برقراری امنیت ملی و رفع تهدیدات داخلی و خارجی و رویارویی با حوادث غیرمترقبه (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۱۸). سیاست دفاعی همان سیاست کلان نظامی و در سطح ملی است و بیان‌کننده راه‌ها و شیوه‌های کلی استفاده از قدرت نظامی کشور در برابر تهاجمات نظامی احتمالی دشمنان خارجی، رفع شورش‌های مسلحانه مخالفان داخلی، حفظ منافع امنیتی و پشتیبانی از سیاست‌های ملی است (کلانتری، ۱۳۹۴: ۳۹). سیاست دفاعی هر دولت واکنشی است به تهدیدات عینی و ذهنی برخاسته از محیط امنیتی خود با توجه به اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت دولت. سیاست دفاعی دارای دو کارکرد ویژه است. نمایش قدرت و استتار قدرت (پوشاندن نقاط آسیب‌پذیر). سیاست دفاعی آینده‌نگر در حوزه نظامی دارای خصوصیات تهاجمی، تدافعی و بازدارنده است و طراحی چنین سیاستی، یک علم و هنر ظریف و دقیقی به‌شمار می‌رود (حسنلو، ۱۳۸۸: ۱۵۴؛ کلانتری، ۱۳۹۴: ۴۰).

اما راهبرد، معادل واژه انگلیسی Strategy که از واژه یونانی «استراتِگیا (Strategia) به معنای «فرماندهی و رهبری = مدیریت» و یا استراتِگوس (Strategos) به معنای لشکر (ارتش) گرفته شده (ر.ک. خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۲، ۱۱۳)، ابتدا به معنای فن هدایت، تطبیق و هماهنگ‌سازی نیروها برای رسیدن به اهداف جنگ، در علوم نظامی به کار گرفته می‌شد (همان: ۱۱۷؛ احمدوند، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۲) و سپس به دیگر حوزه‌ها (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) راه پیدا کرد. قدیمی‌ترین تعریف از واژه استراتژی عبارت است از: «هنر فرماندهی در زمینه تدابیر و حیل‌های نظامی و فرماندهی جنگ» (عزتی، ۱۳۷۹: ۵). پس از جنگ‌های ناپلئون، استراتژی، علم حرکات و طرح‌های نظامی یا دانش جنگ و تهیه طرح‌ها و خط‌مشی واحدهای نظامی تعریف شد (همان: ۶). راهبرد یا استراتژی در علوم نظامی، فن و علم توسعه نیروها و منابع نظامی و به‌کارگیری آنها در زمان جنگ برای تأمین حداکثر منافع ملی و افزایش احتمال پیروزی است (ر.ک. صلح‌جو، ۱۳۸۴: ۲۳). آرتور لایک^۱ با استناد به تعریف ژنرال ماکسول دی تاپلور^۲ که استراتژی را مشتمل بر اهداف، روش‌ها و ابزارها توصیف کرده (Lykke, 1997: 183)، استراتژی (راهبرد) نظامی را مساوی با حاصل جمع اهداف نظامی (مقاصدی که برای نیل به آن کوشش می‌شود)، روش‌ها (سلسله اقدامات یا شیوه‌های گوناگون برنامه‌ریزی نیروی نظامی) و ابزارها (منابع نظامی یا وسایلی که با آنها می‌توان به اهداف رسید: مضمولین، ادوات، پول، نیروها، پشتیبانی و غیره) دانسته است (Ibid: 183-184). راهبرد

۱. سرهنگ یازنشته آمریکا Colonel Arthur. F. lykke

۲. رئیس ستاد نیروی زمینی آمریکا در دهه ۱۹۶۰م. General Maxwell D. Taylor

نظامی بخشی از راهبرد ملی است که در جهت تحقق اهداف ملی از نیروهای نظامی استفاده می‌کند. بدین ترتیب، راهبرد نظامی عبارت است از دانش و هنر به‌کار بردن نیروهای مسلح یک ملت به منظور تأمین هدف سیاست ملی از راه اعمال قدرت یا تهدید به وسیله قدرت (Ibid: 183) در شرایط صلح و جنگ. راهبرد نظامی خواه برای بازدارندگی و خواه برای اقدام، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح کاربرد دارد. ناپلئون راهبرد نظامی را هنر جنگ می‌دانست (شهلائی، ۱۳۸۷: ۸۲).

می‌توان عباس میرزا را در زمره سیاستمداران آشنا با دانش نظامی پنداشت که با هدف حفظ و حراست کشور و مقابله جدی با دشمن مسلح (روسیه)، تلاش می‌کرد نیروی نظامی را به‌طور مؤثر در عرصه میدانی (آفندی و پدافندی= حمله و دفاع) به‌کار گیرد و از نوعی راهبرد نظامی (تدافعی و تهاجمی) برخوردار بود. با ارائه تصویری از وضعیت قشون قاجاریه در اوایل حکومت فتحعلیشاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق. / ۱۷۹۷-۱۷۳۴م.) که بیشتر ساختاری ایلی داشت و ناکارآمدی آن در جنگ با کشوری نظیر روسیه که ارتش مدرنتر و تجهیزات جنگی نوینی داشت آشکار می‌شد، راهبرد نظامی عباس میرزا که طرح و برنامه اصلاح در وضعیت قشون را شامل می‌شد، مفهوم می‌شود. راهبردی که افزون بر ایجاد تغییراتی در سازمان و تجهیزات، شیوه سنتی جنگ را نیز تغییر می‌داد و از تاکتیکهای نوینی می‌توانست بهره بگیرد تا کارآمدی نیروی نظامی را افزایش دهد. این راهبرد را می‌توان ترکیبی از نوع راهبرد رقابتی و تهاجمی تلقی کرد که ایران بتواند با ارتش دیگر کشورها به رقابت پرداخته و در جنگ‌ها برای غلبه بر دشمن، وضعیت تهاجمی بگیرد. بنابراین، سه عنصر مهم: سازماندهی، مدیریت و هدف، که در نظام سنتی قشون چندان مورد توجه نبود، در رویکرد جدید کاملاً مبنای هنر فرماندهی نظامی قرار گرفت؛ زیرا «هنر راهبری و فرماندهی نظامی بیش از آن که دلالت بر هنر جنگیدن داشته باشد، دلالت بر مدیریت جنگ دارد» (خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

وضعیت قشون قاجار پیش از اصلاحات نظامی عباس میرزا

این وضعیت در سه موضوع: سازمان، تجهیزات و تاکتیک جنگی، قابل بررسی است.

۱. سازمان قشون

در اوایل قاجاریه، سپاه دائمی و موظف مرسوم نبود. در ایام صلح، قشونی موجود نبود. نیروهای جنگنده فقط هنگام جنگ و بروز خطر به‌سرعت فراهم می‌شدند. قدرت نظامی ایران بیشتر بر جنگاوری افراد چالاک سوار متکی بود که به حد وفور در سراسر کشور به‌وسیله سران طوایف و ایلات فراهم می‌گردید. (اولیویه^۱، ۱۳۷۱: ۱۸۹-۱۸۸؛ کرزن^۲، ۱۳۷۳: ۱/۷۳۵). لشکر آغامحمدخان قاجار (۱۲۱۲-۱۲۱۰ق. / ۱۷۹۶-۱۷۹۷م.) مرکب از پیاده و سواره بود و رؤسای ایلات نیز با نیروهای خود به او می‌پیوستند. هر ایل ملزم بود تعداد معینی سوار بدهد. افراد سواره‌نظام هر کدام با اسب خود حاضر می‌شدند. به این سوارهای ایلی مقرری پرداخت نمی‌شد (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۸۱، ۲۸۶؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۹؛ گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۳). گاه در لشکرکشیها از توپ و خمپاره و زنبورک نیز استفاده شده است (ر.ک. ساروی، ۱۳۷۱: ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۳). به روایت مأمور انگلیسی، لشکر خان قاجار «منحصر بود در سواره و پیاده بی‌نظام و چند قطعه توپ سنگین و تعدادی زنبورک» (ملکم، ۱۳۸۳: ۲/۶۶۴؛ درویل^۳، ۱۳۷۰: ۲۵۰). از دید ژنرال گاردان^۴ فرانسوی، اوضاع نظامی ایران قابل اهمیت و اعتبار نبود. قوای نظامی ایران به سه رسته پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه و زنبورکخانه

1. Olivier

2. Curzon

3. Drouville

4. General Gardane

تقسیم می‌شد (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۲-۱۳۳).

افزون بر چریک‌های بومی نامنظم و سواره‌نظام ایلیاتی، محافظان دائمی متشکل از فوجی سوار که غلامان شاهی نامیده می‌شدند و اغلب غلامان گرجی یا پسران امرا و اعیان ایران بودند نیز در خدمت شاه بودند. اسلحه، یراق، اسب و لگام اسبان آنها ویژه بود و مواجیشان از سایر سواره کشور بیشتر بود. هر یک از شاهزادگان نیز که حکومتی جداگانه داشتند، فوجی غلام داشتند که مأموریت آنها مثل غلامان شاهی بود (ملکم، ۱۳۸۳: ۶۶۳/۲؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۶۱). محافظان شاهی به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول غلامان شاهی که نسبتاً بزرگ بود و از کارابین=قرابین (تفنگ لوله کوتاه)، تفنگ کمری و شمشیر در میدان جنگ استفاده می‌کردند؛ گروه دوم، غلامان تفنگچی، که به صورت سواره‌نظام بودند؛ اما مثل سواره‌نظام اروپایی پیاده هم می‌جنگیدند (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۶۱). افراد پیاده‌نظام را از ایلات و اهالی دهات و شهرها می‌گرفتند و هزینه آنها از همان مکانهای خود تأمین می‌شد و اگر به جنگ می‌رفتند تا وقتی در قشون بودند از دیوان مواجی می‌گرفتند. جامه و سلاح از خودشان بود و اسلحه آنها تفنگهای فتیله‌ای و خنجر و شمشیر بود. اینها از سرکرده‌های خود اطاعت می‌کردند (ملکم، ۱۳۸۳: ۶۶۳/۲؛ هالینگبری^۱، ۱۳۶۳: ۶۸). سواره‌نظام دائمی از غلامان سلطنتی تشکیل می‌شد و بیشتر از منطقه استرآباد گرفته می‌شدند؛ اما بهترین بخش پیاده‌نظام، تفنگچیان مازندرانی بودند که سربازانی دلیر و با تفنگهای فتیله‌ای تیراندازانی ماهر و نظامیانی معتمد و مورد وثوق بودند (فریزر^۲، ۱۳۶۴: ۵۶۵-۵۶۶؛ همبلی^۳، ۱۳۸۷: ۱۷۹؛ Cronin, 2012).

فرماندهان نظامی براساس فرماندهی دسته‌های ده، صد و هزار نفره به ترتیب به اونباشی، یوزباشی و مینباشی درجه‌بندی می‌شدند و تمام لشکریان زیر فرمان شخصی بودند که سردار گفته می‌شد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۹؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۴۷؛ Cronin, 2012). صاحب‌منصبان قشون غالباً فاقد علم و تربیت نظامی بودند. بیشتر آنها به‌واسطه رشوه در جزو قشون صاحب‌درجه و منصب می‌شدند (مارکام^۴، ۱۳۶۴: ۵۸).

تجهیزات و امکانات قشون

تجهیزات و امکانات قشون ایران تا پیش از اقدامات اصلاحی جدید مطلوب نبوده است و از لحاظ تسلیحات، ادوات جنگی و استحکامات نظامی مشکلات و نواقص عمده‌ای داشت. سربازخانه، بیمارستان نظامی و مخازن نگاهداری آذوقه افراد قشون وجود نداشت. هر فرد پیاده و سوار ناگزیر بود کلیه لوازم مورد نیاز را شخصاً تهیه کند (ژوبر، ۱۳۹۵: ۲۰۶). سلاح عمده قشون تیر و کمان، گرز، شمشیر، نیزه و خنجر بود. از سلاح آتشین، تفنگهای فتیله‌ای بلند و تعدادی توپ داشتند که به‌ندرت از این توپها استفاده می‌شد. بعضی از سواران قرابینه (کارابین) داشتند که در هنگام جنگ هر یک بار خالی می‌کردند. خفتان، جوشن و زره نیز بر تن می‌کردند. بعضی نیز سپرهای کوچکی داشتند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۹؛ گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۳؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۵۹-۲۶۰). به‌تعبیری، افواج قشون غالباً سبک‌اسلحه (از نوع سلاح سرد) بودند (ژوبر، ۱۳۹۵: ۲۰۴).

در مجموع سلاح قشون قاجار وضع رضایت‌بخشی نداشت. در اثر جنگ، زرادخانه‌های ایران تقریباً خالی شده بود و ضرورت مبرمی به پر کردن آن و توپ‌ریزی و تهیه مهمات احساس می‌شد. تا آن زمان انگلیسیها از ذخایر خود در هند، خمپاره‌اندازها و

1. Hollingbery
2. Fraser
3. Hambly
4. Markham
5. Jaubert

گلوله‌های توپ تحویل قشون ایران می‌دادند؛ اما خواه بنابه مصلحت سیاسی و یا به مقتضیات دیگر، فقط مقدار ناچیزی اسلحه و مهمات به ایران داده شد. از اینرو قشون ایران همواره از حیث خمپاره، ساچمه توپ، سنگ چخماق و فتیله شمشال در تنگنا بود (دروویل، ۱۳۷۰: ۳۳). به دلیل عدم راه‌اندازی کوره‌های ذوب آهن در آذربایجان با وجود ذخایر مهم آهن در این ایالت و در نتیجه کمبود آهن، ساچمه‌ها را از سرب می‌ساختند که به علت سنگینی فلز و عدم قابلیت چکش خوری، خاصیت اساسی یعنی قدرت کمانه کردن آنها بسیار پایین بود (همان: ۳۳-۳۴).

پیاده‌نظام ایران واحد کارآمدی نبود و با تفنگهای فتیله‌ای مسلح بودند که اجزای آن را بسیار بد به هم متصل کرده بودند و وزن سنگینی داشت. نفرات سواره‌نظام هر کس به دلخواه خود به اشکال مختلفی مسلح بود؛ اما سلاح عمومی آنها شامل یک شمشیر، یک تفنگ لوله کوتاه سبک و گاه یک یا دو تپانچه بود. آنها در سوارکاری و تیر انداختن از روی زمین مهارت خوبی داشتند. افراد پیاده‌نظام در موقع حرکت، بار و بنه، آذوقه و یک چادر همراه خود می‌بردند و هر دو نفر یک اسب داشتند (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۶۸، ۶۹؛ گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۲).

توپخانه را برای حرکت دادن به گاو می‌بستند و افراد ماهری را برای این کار انتخاب می‌کردند. لوازم توپ در اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد تهیه می‌شد. توپهای غنیمتی از روسها همه خراب بوده و قابل استفاده نبودند. در مازندران هم گلوله توپ ساخته می‌شد؛ اما به دلیل ریخته‌گری نامناسب گلوله‌ها و همراه داشتن مواد زاید، دهانه توپ را خراب می‌کرد و اغلب هنگام شلیک دهانه توپ می‌ترکید. زنبورکها را بر پشت شتر حمل می‌کردند. زنبورکچپها نه به جنگ با توپهای فتیله‌ای آشنا بودند و نه به نیزه‌اندازی. باروت سربازان هم به دلیل ترکیب بد مواد آن، مثل گلوله‌های آنها ناقص بود. به همین جهت باروت اروپایی را به کار می‌بردند. لباس متحدالشکل نظامی نیز در ایران معمول نبود (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۳، ۱۳۴). در ایران باروت به مقدار بسیار کم و با شیوه‌های نادرست تهیه می‌شد و امکان انفجار و خطر آفرینی آن زیاد بود (دروویل، ۱۳۷۰: ۳۴). لباس متحدالشکل نظامی نیز در ایران معمول نبود (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۴). قشون ایران اطلاعی از فنون مهندسی نداشت و به این علت از فنون سنگربندی و استحکامات هم به کلی بی‌خبر بود. استحکاماتی که می‌ساختند عبارت بود از دیوارهای بلند گلی با برجهای کنگره‌دار که به وسیله این دیوارها اطراف شهرها را محصور می‌کردند و با حفر خندقی دور آن حمایت می‌شد (بینا، ۱۳۸۳: ۷۰/۱). چنانکه ستوان فابویه^۱ استحکامات سرحدی ایران را شماری قلاع بازیچه می‌داند که عملاً بی‌بهره و بلااستفاده مانده بودند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۲۰۹/۱).

تاکتیک و شیوه‌های نبرد

صاحب‌منصبان نظامی سنتی قاجار در شیبخون زدن و تدارک حملات ناگهانی و غافلگیر کننده دارای مهارت و ورزیدگی بودند. از اینرو، قشون ایران به شرط دراختیار داشتن فرماندهانی مصمم و بارآده می‌توانست از عهده حریفانش برآید (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۰). آغامحمدخان تاکتیک‌های نظام قبیله‌ای خود و همینطور شیوه‌های جنگی همسایگان ترکمان را مدنظر خود داشت. سپاهیان او چون به قلمرو دشمن وارد می‌شدند، هر جا که لازم بود، سیاست «زمین سوخته» اعمال می‌کردند. هرگاه احتیاط و عقب‌نشینی لازم بود و یا راهبرد جنگ نیاز به اصلاح داشت، سریعاً اقدام می‌کرد (همبلی، ۱۳۸۷: ۱۷۹). اما نیروی نظامی سنتی و شیوه نبرد آنان در برابر قوای نظامی مجهز و سازمان یافته‌ای مانند ارتش روسیه، کارآمدی نداشت و ضعف‌های آن آشکار می‌شد. تضاد در فرماندهی و نبود

^۱. Fabvier

آموزش‌های حرفه‌ای، بی‌نظمی و آشفتگی را در میان سپاهیان به همراه داشت، که حاصلی جز شکست نداشت.

سپاهیان ایران به لحاظ آذوقه در مضیقه بودند و نخستین هدف نبردهای نظامی را گرفتن غنیمت از دشمن می‌دانستند (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۰). عملیات جنگی عبارت بود از: حرکات سریع و بی‌نقشه در پیرامون واحدهای دشمن، هجوم ناگهانی به اردوگاه دشمن و به غنیمت گرفتن آذوقه، تغییر مجاری آبها و پرکردن چاهها برای جلوگیری از استفاده از آنها و حمله به واحدهایی که خستگی و گرسنگی آنان را از پا درآورده بود (بینا، ۱۳۸۳: ۷۰/۱-۷۱). در مواقع جنگ، افراد سوار تحت هیچ نظمی نبودند. آنها به تاخت بدون هیچ ترتیبی به دشمن حمله می‌بردند، اگر دشمن متزلزل می‌شد، ایستادگی می‌کردند، در غیر این صورت با بی‌نظمی تمام به سرعت عقب‌نشینی می‌کردند. آنها در حيله جنگی کمین کردن مهارت داشتند. هیچ نوع نقشه جنگی در کشور موجود نبود و قوای غیرمنظم از روی نقشه نمی‌جنگید. آنها بدون توجه به اشکالاتی که ممکن بود رخ دهد به استقبال دشمن می‌رفتند و بدون اینکه از عواقب کار نگران باشند دست به حمله میزدند. پیاده‌نظام به صورت دسته‌جمعی و با صداهای بلند یکدیگر را تحریک و تشویق می‌کردند و از فاصله دور به دشمن تیراندازی می‌کردند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۳، ۱۳۶؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۶۶-۲۶۷).

به روایتی، جنگ به منزله فنی خاص برای ایرانیان مفهومی نداشت. افواج هیچ نظم و ترتیبی نداشتند. تاکتیک آنها در جنگ این بود: یا شکست دشمن در حمله اول و یا فرار برق‌آسا. در عملیات جنگی، منظور اصلی پیروزی در میدان جنگ نبود؛ بلکه هم‌شان این بود که هرچه بیشتر غنیمت جنگی به‌دست آورند. چنین قشونی نمی‌توانست در برابر حمله شدید و طولانی قشون دیگر مقاومت کند (ژوبر، ۱۳۹۵: ۲۰۵-۲۰۶).

شورای جنگی و مذاکرات آن کاملاً علنی بود. دولت در مخفی نگاه داشتن نقشه‌های جنگی و طرحهای سیاسی چندان مهارتی نداشت. هنگام برگزاری این‌گونه شوراها، نوکران نیز داخل اتاق یا دم در حاضر بودند و کمی بعد همه سربازان از عملیات نظامی و تصمیمات گرفته شده باخبر می‌شدند. در نتیجه، امکان محرمانه نگهداشتن آن تصمیمات وجود نداشت و اصل غافلگیری دشمن تحقق نمی‌یافت (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۵۳).

اردوگاه نظامی نیز تابع نظم و ترتیب خاصی نبود. قراول شبانه به درستی انجام نمی‌شد، فقط توپها را بالای اردو قرار می‌دادند. شترها را در محلی در یک یا دو فرسخی اردو می‌خوابانند. در جلوی اردو، بزرگان و وزرا مقرر می‌گرفتند. همراه اردو اصناف گوناگون شامل نانوا، خیاط، سراج، میوه‌فروش و غیره حرکت می‌کردند. سواران ایلات در جلوی اردو پیرامون تیرهایی که نصب می‌شد چادر می‌زدند و اسبان خود را بدون رعایت ترتیبی در اطراف چادرها می‌بستند. کشیکچیان و نگهبانانی شبها دور چادر شاه یا ولیعهد و بستگان شاه کشیک می‌دادند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۵).

در هر اردوکشی، محلهای توقف و اتراق به موجب فرامین شاه تعیین می‌شد. پیش از حرکت قوا، صاحب‌منصبانی آذوقه و علیق لازم را آماده می‌کردند. در این اردوها اقدامات پیشگیرانه از شیخونها و حملات غافلگیرکننده رعایت نمی‌شد. مثلاً پای اسبان را در شب به هم می‌بستند و پیشقراول هم نداشتند. از اینرو، اردو همواره در معرض تهدید بود (ژوبر، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۵).

با شرح اجمالی که از وضعیت قشون پیش از اقدامات عباس میرزا به‌دست داده شد این نتیجه حاصل می‌شود که این قشون به لحاظ ساختار سازمانی، تسلیحات، نظم و انضباط نظامی، روش جنگ و طرح و برنامه هدفمند نظامی، در ضعف و آشفتگی قرار داشت و فاقد راهبرد مشخص برای توانمندسازی آن بود. وجود ضعف و عقب‌ماندگی نظامی از یک‌سو و ضرورت مقابله با قوای روسیه از سوی دیگر، راهبرد توانمندسازی و کارآمدی قشون را برای عباس میرزا که فرماندهی سپاه آذربایجان و امور جنگ را برعهده داشت، ضروری ساخت. راهبرد او اصلاح و تغییر ساختار، اهداف، منابع، ابزار و روش‌ها بود که با محوریت واحد توپخانه و تقویت

فنون مهندسی رزمی و آموزش‌های نوین نظامی، طراحی و به‌کار بسته شد. در ادامه به تبیین این راهبرد نظامی در قالب برنامه اصلاحات نظام جدید می‌پردازیم.

اصلاحات نظام جدید

از کارهای مهم عباس میرزا نایب‌السلطنه در امر قشون قاجار برای کارآمدسازی آن در برابر تهاجمات بیرونی، اصلاحات نظامی بود که با عنوان «نظام جدید» معروف است. نظام جدید شامل اقسام فنون و نظام جنگ و انواع آداب درگیری که پیکارگران از طریق آنها بتوانند به فتح و ظفر برسند. براین اساس عباس میرزا جمعی از دلاوران نواحی مختلف را فراهم آورد و تحت تعلیم مربیان نظامی اروپایی متخصص در کاربرد اسباب جنگ قرار داد و مواجب و جیره و لباس و سایر تدارکات آنها را از خزانه دولت مقرر کرد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). در آن زمان حتی لباسهای پیاده، سواره و توپخانه ایران را از روی لباسهای ارتش ناپلئون طراحی کردند و صنوف مختلف نظام را از روی همان سازمان ناپلئونی ترتیب دادند و این را در آن زمان نظام جدید نام گذاشتند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۱۳/۱).

راهبرد نظامی عباس میرزا بر مبنای ایجاد ارتش نیرومندی بود که استقلال کشور را در برابر بیگانگان و سرکشان داخلی تضمین کند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۸۰) و ظرفیت دفاعی ایران را افزایش دهد (Cronin, 2012). زیرا هنگامی که عباس میرزا در سال ۱۲۱۴ ق. / ۱۸۰۰ م. به اتفاق همراهان و ملازمانش (نظام‌الدوله سلیمان‌خان قاجار، ابراهیم‌خان قاجار و میرزا عیسی فراهانی به عنوان وزارت) در مقام والی وارد تبریز شد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۹؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰۵/۱؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۴۸۷/۹)، از یکسو با اغتشاشات و سرکشیهای داخلی روبه‌رو بود و از سوی دیگر، منطقه قفقاز دستخوش ناآرامیهای بود که دخالت‌های دولت روسیه وضعیت آن را بحرانی ساخته بود. مأموریت عباس میرزا در آغاز، قلع و قمع سرجنبنان داخلی و تأمین امنیت کشور بود. بدین منظور، تمام هم‌خویش را صرف دفع اغتشاشات داخلی نمود و تا سال ۱۲۱۷ ق. / ۱۸۰۲ م. در داخل کشور امنیت را برقرار ساخت. او با سرکوب طایفه کولکان و یموت در سال ۱۲۱۸ ق. / ۱۸۰۳ م. (دنبلی، ۱۳۸۳: ۸۳) و سرکوب جعفرقلیخان دُنبلی حاکم خانات خوی (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱۴/۱-۱۱۶؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۵؛ Busse, 1985: 1/80)، آرامش را در این نواحی برقرار کرد. مهمتر از این ناآرامیها، حفظ و حراست شهرهای مهم آن سوی رود ارس بود که مدام در معرض تهدید گردنکشان محلی و صحنه تحركات سیاسی بیگانگان بود. با قشون سنتی دستیابی به موفقیت چشمگیر در این منطقه حاصل نمی‌شد، مگر اینکه سطح کارآمدی نظامی آن را با فراگیری اصول نوین جنگ و اصلاح و تکمیل ادوات جنگی افزایش داد. این ضرورت، عباس میرزا را ناگزیر ساخت تا در تشکیلات نظامی خود اصلاحاتی ایجاد کند که بتواند با ارتش مجهزی مانند روسیه رویارویی کند. اقدامات اصلاحی او موجب تحولاتی در قشون سنتی قاجار شد.

عباس میرزا که در جوانی به حکومت آذربایجان و فرماندهی جنگ با روسها برگزیده شد، از همان اوان به اهمیت انضباط و تاکتیک جنگی اروپائیان پی برد و شاه را بر آن داشت تا در این زمینه از ارتشهای اروپایی الگوبرداری کند. شکستهای مختلف بدون اینکه روحیه او را تضعیف کند، عقیده وی را در ادامه عملیات جنگی راسختر می‌ساخت (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۷۴).

عباس میرزا که مقوله قدرت نظامی و وضع قشون همواره از دغدغه‌های ذهنی اش بود. تصمیم گرفت وضع نظام سپاهیان مقیم آذربایجان را تغییر داده و آن را از صورت نامطلوب خارج سازد. قشونی که تا سال ۱۲۱۴ ق. / ۱۸۰۰ م. در برابر قوای روس پایداری

۱. لسان‌الملک سپهر (۱۳۷۷: ۱۰/۱)، سال ۱۲۱۳ ق. ذکر کرده است.

می‌کردند تعدادی سرباز پیاده غیرمنظم بودند که در جنگ مهارتی نداشتند. سواره‌نظام هم از دسته‌هایی تشکیل می‌شد که بیشتر عملیات ایذایی در گرجستان انجام می‌دادند نه یک جنگ واقعی. توپخانه هم شامل چند آتشبار کوچک بود که بر پشت شتر حمل می‌شد. مجموع این تجهیزات بسیار ناچیز بود و قادر نبود از ورود قوای روس به قفقاز جلوگیری و آن مناطق را حفظ و حراست کند. بدین ترتیب عباس میرزا اقداماتی را برای کارآمدسازی قشون بکار بست. ابتدا بین سربازان چریکی که در اختیار داشت نظم برقرار کرد. سپس همه سربازان فراری روسی را به خدمت گرفت و آنها را مأمور تشکیل فوجها و تعلیم سربازان کرد. خود نیز فنون نظامی را با جدیت فرا گرفت و در سازمان قشون تغییراتی را ایجاد کرد؛ اما اصلاحات اساسی با ورود هیأت فرانسوی و سپس انگلیسی انجام گرفت (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۴۹-۲۵۱).

عباس میرزا دریافت که بدون نوین‌سازی قشون به کمک مربیان نظامی اروپایی، غلبه بر ارتش منظم و مجهز یک دشمن اروپایی مانند روسیه وجود ندارد. او آموزش‌های اولیه نظامی خود را تحت تعلیم مربیان روسی فرا گرفته بود و در این کار چنان مصمم بود که به منظور از بین بردن غرض‌ورزی رقبایش، خود اونیفورم پوشید و هر روزه به مشق و تمرین می‌پرداخت و بزرگ‌زادگان دستگاه خویش را به فراگیری آموزش‌های نوین نظامی ترغیب می‌کرد (موریه، ۱۳۸۶: ۲۵۱/۲-۲۵۲؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۱/۱؛ Cronin, 2012). عباس میرزا که با جنگ و فنون رزم و تیراندازی و کاربرد سلاح مختلف آشنا بود و مهارت لازم را داشت (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۷۳، ۱۷۷-۱۷۸؛ موریه، ۱۳۸۶: ۳۰۹/۱)، همچنین از کاستیهای قشون و نیازهای آن آگاهی داشت، پس از نخستین جنگ ایران و روس در ۱۲۱۸ق. / ۱۸۰۴م. در نزدیکی ایروان بود که ضرورت دگرگونیها و اصلاحات مورد نیاز در قشون را دریافت. بدین منظور از سال ۱۲۲۱-۱۲۲۷ق. / ۱۸۰۶-۱۸۱۲م. برای نوین‌سازی ارتش و ایجاد نظام جدید تلاشهای مهمی انجام داد. در این زمان، به‌ویژه پس از شکستهای سال ۱۲۲۱-۱۲۲۲ق. / ۱۸۰۶-۱۸۰۷م. آشکار شد که بدون ارتش نوین، به‌ویژه پیاده‌نظام و توپخانه مدرن، شکست روسیه ناممکن خواهد بود. بنابراین، نایب‌السلطنه ابتدا با مساعدت هیأت فرانسوی و پس از آن افسران انگلیسی، به نوسازی در امر نظام پرداخت و پیش از آنها حتی نظامیان فراری روسی و اسرای جنگی را در این راه به خدمت گرفت (See. Busse, 1985: 1/80, Cronin, 2012) و موفق شد بخشی از قشون ایران را به شیوه اروپا آموزش داده و تربیت کند. به تعبیر علیقلی میرزا قاجار، او «معلمان قاعده‌دان از قرال فرانسه و انگلیس آورد، در مدت دو سال پانزده هزار سرباز قدرانداز» تربیت کرد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱).

۱. بهره‌گیری از دانش نظامی اروپایی در نظام جدید قشون

عباس میرزا کارآمدی قشون در جنگ را با ایجاد تغییرات و نوآوری‌هایی به شیوه اروپایی و زیر نظر آموزگاران نظامی فرنگی ممکن می‌دید. او «بسیار مایل بود که قشون منظمی به رسم دولتهای اروپایی داشته باشد» (مارکام، ۱۳۶۴: ۵۸). از اینرو، به نوین‌سازی رسته‌های مختلف نظامی موجود پرداخت. در معاهده فین‌کشتاین^۱ (۲۵ صفر ۱۲۲۲ / ۴ مه ۱۸۰۷) ماده ششم، آمده بود که چون شاه ایران مایل است پیاده‌نظام، توپخانه و استحکامات خود را بر طبق اصول اروپایی منظم نماید، امپراتور فرانسه و پادشاه ایتالیا متعهد می‌شود که توپهای صحرايي، تفنگها و سرنیزه‌های مورد نیاز را برای او تدارک کند. در ماده هفتم نیز آمده بود امپراتور فرانسه و پادشاه ایتالیا برعهده می‌گیرد که هر اندازه صاحب منصب توپخانه و مهندسی و پیاده‌نظام که شاه ایران وجود آنها را برای تحکیم قلاع و تنظیم توپخانه و پیاده‌نظام ایران بر طبق اصول فن نظامی اروپایی لازم بشمارد، در تحت اختیار او بگذارد (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۰۹-۱۰۷).

با ورود هیأت ژنرال گاردان به ایران در ۱۲۲۲ق. / ۱۸۰۷م. مرکب از هفتاد نفر از اهل حرفه و صنعت و معلمین نظام و مهندسين،

^۱. Finkenstien

در پی وعده کمک نظامی ناپلئون (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۵۳)، افسران فرانسوی در آذربایجان و کرمانشاه به تعلیم و مشق دادن نظامیان ایرانی مشغول شدند (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۱/۱-۷۳۲). همچنین به دستور شاه افواج پیاده استرآباد، مازندران و عراق‌عجم به مشق نظام وارد شدند و هر روزه بسیاری از شاهزادگان، امرا، خاصان و غلامان در میدان خارج و داخل ارگ شاهی مشغول به مشق نظام شدند و معلمین فرانسه به آموزش و نظم آنها می‌پرداختند. در مدت کوتاهی حدود پنجاه هزار نفر سپاهی در نواحی مازندران، عراق‌عجم، طبرستان، سمنان و دامغان در این کار مهارت یافتند و امام‌ویردی میرزای ایلخانی ایل قاجار به منصب سرکشیکچی‌باشیگری این افواج تعیین شد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۲/۱؛ وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۵۴-۱۵۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۸۷/۳). طبق گزارشی، از ایالت آذربایجان ۲۰ هزار نفر، از مازندران و سمنان ۱۶ هزار نفر و از عراق‌عجم ۱۰ هزار نفر برای تأمین نیروی انسانی نظام جدید در نظر گرفته شدند (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۸۵/۹).

عباس میرزا هر روزه به انجام امور سربازان و نظم و نسق نظام جدید و آراستگی سپاه از پیاده و سوار رسیدگی می‌کرد و از خیل سربازان و پیاده و سواره سه بخش درست کرد و هر فوج را به یکی از سرحدات تعیین کرد که طبق دستورالعمل آماده کارزار بوده و هر روز به مشق قواعد نظام جدید نیز پردازند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). او اصل غیرمحملی بودن قوا را برگزید تا به این ترتیب از فساد و تبانی لشکریان از یک محل خاص جلوگیری کند (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

عباس میرزا یکی از افسران فرانسوی را وادار ساخت تا از بین افسران ایرانی شانزده تن را برگزیند و فنون نوین جنگ را به آنان بیاموزد تا به آموزش نیروها پردازند. سروان فرانسوی با برانگیختن حس رقابت و تشویق و ترغیب افسران ایرانی به تعلیم و تربیت آنان پرداخت. خود نایب‌السلطنه شخصاً به تیراندازی با تفنگ و اجرای مواد نظامنامه پیاده‌نظام ارتش فرانسه پرداخت و به کمک افسران وابسته به سفارت فرانسه نزدیک دو سال از وقت خود را صرف مطالعه و مانورهای پیاده‌نظام و توپخانه کرد. او طرز عمل تفنگ و کلیه اصطلاحات فرماندهی را برای مشق دادن آموخت. حتی از بررسی در جزئیات ساختمان سربازخانه‌ها، زرادخانه‌ها و کارگاههای اسلحه‌سازی، باروتکوبی و توپریزی که به دست افسران فرانسوی بنا می‌شد، غافل نمی‌ماند. وی آنچه در توان داشت و آنچه وضع مالی به او اجازه می‌داد در بهبود وضع سپاهیان خود می‌کوشید (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۷۴-۱۷۵). به نقل جیمز موریه، ۱۰ شاهزاده شخصاً به همه کارهای سپاهیان رسیدگی می‌کرد. جنگ‌افزار، اسبان و سازوبرگها را بازرسی می‌کرد، آنچه را که به نظرش سودمند بود می‌پذیرفت و آنچه را که ارزش کمتری داشت کنار می‌گذاشت (موریه، ۱۳۸۶: ۳۰۸/۱).

پس از تغییر شرایط سیاسی فرانسه به دنبال صلح ناپلئون با تزار روس که مأموریت مربیان فرانسوی در قشون ایران را با مشکل مواجه کرد، مربیان نظامی انگلیسی جای آنها را گرفتند. انگلستان که خطر نفوذ سریع فرانسه در ایران را دریافت، با اعزام سرهارفورد جونز^۲ به ایران در سال ۱۲۲۴ ق. / ۱۸۰۹ م. در اخراج فرانسویان کوشید و طبق معاهده‌ای مقرر کرد که آنچه افسر و سرباز انگلیسی لازم باشد مجانی به ایران اعزام کند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۹۰/۱-۲۹۴، ۳۹۸-۴۰۳؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۷۱؛ وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۵؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۲/۱). ناکامی فرانسه در اجرای مفاد عهدنامه سال ۱۸۰۷ م. / ۱۲۲۲ ق. با فتحعلیشاه، راه را برای پیروزی مذاکرات جونز باز کرد. عباس میرزا عقیده داشت اگر ایران بخواهد در برابر حملات روسیه مقاومت کند باید ارتشی به روال ارتش‌های اروپایی داشته باشد. بریتانیا نیز به این نتیجه رسیده بود که اگر بخواهد جای فرانسه را بگیرد باید

^۱. James Morier

^۲. Sir Harford Jones

آماده باشد که این ارتش را آموزش داده و وسایل جنگی در اختیار آن بگذارد. براین اساس سر جان ملکم^۱ در سفر دومش به ایران، ابتدا کاپیتان چارلز پاسلی^۲ را زودتر به تهران اعزام کرد تا به شاه اطلاع دهد که انگلیسیها آماده هستند که به جای هر افسر و تکنسین فرانسوی که به دستور او از ایران اخراج شود، افسران و تکنسینهای انگلیسی به ایران اعزام کند (رایت، ۱۳۶۱: ۷۳؛ Cronin, 2012). پاسلی همچنین مأموریت داشت به شاه ابلاغ کند که بریتانیا مایل است یک هدیه شامل ۲۹ توپ، ۵۰۰۰ قطعه اسلحه سبک، ۲۵ هزار قرابینه و ۲۵۰۰ قطعه تپانچه در اختیار ایران قرار دهد. جونز نیز وعده داد که سالیانه یک مقررری ۱۶۰۰۰۰ تومانی برای تأمین هزینه جنگ با روسیه، وسایل جنگی، کارشناس انگلیسی و حقوق شانزده هزار سرباز ایرانی بپردازد (رایت، ۱۳۶۱: ۷۴). انگلیسیها با شاه ایران معاهده بستند که اعانه‌ای به مبلغ بیست هزار استرلینگ به شاه ایران دهند تا بتواند دوازده هزار پیاده‌نظام و بیست و پنج توپ تهیه کند (فلانندن، ۳: ۲۵۳۶: ۱۴۹).

در اجرای معاهده جونز، قرارداد مجمل ۱۲۲۴ق. ۱۸۰۹م. (متن معاهده در: محمود، ۱۳۶۷: ۱۰۲/۱-۱۰۵)، ملکم در سال ۱۲۲۵ق. ۱۸۱۰م. برای بار سوم رهسپار ایران شد و با خود عده‌ای از افسران لشکر هند و انگلیس را همراه آورد و وارد خدمت در قشون ایران کرد که در میان آنها نام کریستی، لیندسی، ویلیام مونتایث و ویلوک^۳ برجسته است. در سال ۱۲۲۶ق. ۱۸۱۱م. نیز همراه سرگور اوزلی^۴ چند افسر و تعدادی گروهبان از انگلستان به ایران آمدند تا به پیاده‌نظام ایران آموزش دهند. در مجموع تعداد هیأت نظامی انگلیسی در ایران به بیش از پنجاه نفر رسید. افزونبر اینها، نظامیان هندی همراه انگلیسیها نیز در آموزش نظامی سربازان ایرانی به هیأت نظامی کمک می‌کردند. این صاحب‌منصبان انگلیسی، قشون عباس میرزا را علم جنگ می‌آموختند و آنها را به رسم قشون اروپا تربیت می‌کردند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۹۸-۱۹۹؛ موریه، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۲؛ کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۱۰۲؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۷۳۲، ۷۳۳؛ مارکام، ۱۳۶۴: ۵۸؛ رایت، ۱۳۶۱: ۷۴-۷۵).

در صورت عهدنامه‌ای که بین دولت ایران و سرگور اوزلی بسته شده (عهدنامه مفصل ۱۲۲۷ق. ۱۸۱۲م.) تعهدات دولت انگلیس نسبت به ایران در مسائل نظامی مطرح شده و مقرر کرده هر ساله مبلغ دویست هزار تومان جهت مخارج سپاه به دولت ایران بدهد و تا زمانی که بین ایران و روسیه جنگ است این کمک ادامه یابد. همچنین معلم نظامی برای آموزش سپاه ایران بفرستد تا یک عده پنجاه هزار نفری قشون برای دولت ایران تشکیل دهند (محمود، ۱۳۶۷: ۱۳۵/۱-۱۴۰، ۱۹۹-۲۰۳؛ معاهدات ننگین قاجار، ۱۳۷۵: ۵۰-۵۴).

اتحاد انگلستان و روسیه در سال ۱۸۱۲م. ۱۲۲۷ق. و دستور اوزلی به افسران انگلیسی که در خدمت ایران بودند برای عدم دخالت در جنگ ایران و روس، بدینی عباس میرزا نسبت به افسران انگلیسی، سست شدن او در تعقیب برنامه اصلاح قشون و اختلاف ایران و انگلستان راجع به ادامه پرداخت وجه مساعده مالی، موجب پایان یافتن مأموریت افسران انگلیسی در ایران شد (ر.ک. کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۷۳۳، ۷۳۴؛ محمود، ۱۳۶۷: ۱۶۸/۱، ۲۲۳-۲۲۴).

در مجموع با تلاش عباس میرزا در ایجاد نظام جدید، سلاح آتشین در سپاه ایران وارد شد و تحول اساسی نظام ایران به مرحله اجرا درآمد. اصلاحات او در قشون، در واحدهای پیاده، سواره، توپخانه و تجهیزات و امکانات، برای افزایش کارایی مهارتهای نظامی و

1. Sir John Malcolm

2. Charls Pasely

3. Flandin

4. Christie, Lindsay, Wiliyam Monteith, Willock

5. Sir Gore Ouseley

6. Kotzebue

بهینه‌سازی شیوه جنگ به هدف پایداری حکومت قاجاریه، بدین شرح قابل تبیین است.

۲. اصلاح پیاده‌نظام

عباس میرزا در سازمان واحد پیاده‌نظام اصلاحاتی به عمل آورد که با ساختار پیشین آن متفاوت شد. در این تغییرات، واحد پیاده‌نظام از دو طبقه ممتاز یعنی قدیمی و جدید که به ترتیب به روش فرانسوی و انگلیسی سازمان داده شده بودند، تشکیل یافت. پیاده‌نظام قدیمی تعلیم یافته توسط صاحب‌منصبان فرانسوی، از هنگ‌های تبریز، ارومیه، خوی، مراغه، نخجوان، مرند، ایروان، اهر و اردبیل فراهم آمده بود. پیاده‌نظام جدید که تعلیم یافته صاحب‌منصبان انگلیسی بود نیز از هنگ‌های قشقایی، شاهسون، کنگرلو و ده هنگ پیاده‌نظام شاه تشکیل می‌شد (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۴-۲۷۵؛ ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۴/۲). سروان وردیه افسر فرانسوی پیاده‌نظام هیأت گاردان مسئولیت آموزش پیادگان را برعهده گرفت. افسران فرانسوی، دو لشکر پیاده‌نظام به سبک اروپایی تشکیل دادند، یکی لشکر موسوم به سرباز و دیگری لشکر جانباز بود. سپاهیان آذربایجانی را سرباز و سپاهیان مازندرانی را جانباز می‌نامیدند (ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۴/۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۳/۱؛ دنلی، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ Cronin, 2012). پیاده‌نظام سرباز شامل ۱۲ هنگ (هر هنگ هزار نفر) بود. این گروه عمدتاً از اهالی طوایف مختلف آذربایجان بودند و زیر نظر ولیعهد انجام وظیفه می‌کردند. مواجیشان بیش از سایر نظامیان بود (ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۴/۲؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۴). پیاده‌نظام جانباز افواجی بودند که به خود پادشاه متعلق بودند و از ۱۲ هزار نفر تشکیل می‌شد؛ اما در حقیقت بیش از هشت یا نه هزار نفر نبودند. از جهت مقرری، لباس و انضباط از سربازها پایین‌تر بودند. این افواج از نواحی و ایلات دوردست انتخاب می‌شدند و بیشتر از اهالی عراق عجم و مازندران بودند. فرمانده آنان نیز با یوسف‌خان گرجی سپهدار بود. دو فوج بختیاری در زمره آنان بود که صاحب‌منصبان انگلیسی مشغول تعلیم و تربیت آنها بودند (ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۵/۲؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱۳۵/۱؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۳/۱؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۶۵).

در این زمان نیمی از تشکیلات سپاه جدید به پیاده‌نظام اختصاص می‌یافت. سپهر می‌نویسد: «...به آموزگاری فرستادن ناپلئون در ممالک ایران سپاهیان را نظمی جدید برای جدال نهادند و حکم دادند که یک نیمه لشکر به قانون مردم فرنگ پیاده آهنگ جنگ کنند و بیشتر در کار حرب، توپ و تفنگ بکار برند...» (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۶۵/۱). پیاده‌نظام به سبک انگلیسی توسط افسران کمپانی هندشرقی تشکیل و نظام یافت (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۵). کاپیتان کریستی به تعلیم سربازان پیاده‌نظام مشغول شد و پس از قتل او درجنگ اصلاندوز، ماژور هارت ۲ معلم پیاده‌نظام قشون آذربایجان بود. (دنلی، ۱۳۸۳: ۱۹۹؛ موریه، ۱۳۸۶: ۲۵۲/۲؛ مارکام، ۱۳۶۴: ۵۸).

۳. اصلاح سواره‌نظام

عباس میرزا زیر نظر مریدان خارجی یک فوج سواره‌نظام نیز ترتیب داد (ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۴/۲). سواره‌نظام ایران همانند پیاده‌نظام مورد تعلیم مریدان فرانسوی و انگلیسی قرار گرفت. موسیو پنن از طرف گاردان مأمور به تعلیم آنان شد و سواران ایللیاتی که جزو ارتش احتیاط بودند به وسیله این افسر آموزش‌های نظامی را فرا گرفتند (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۶۸۷/۲). سواره‌نظام جدید قشون عباس میرزا به شیوه فرانسوی سازمان داده شد و می‌توانست با بهترین سواره‌نظام دیگر کشورها رقابت کند. افراد آن از میان شجاع‌ترین سربازان ایران انتخاب

1. Verdier

2. Major Hort

شدند و اسب‌های ممتاز عربی و ترکمنی را در اختیار داشتند (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۵؛ موریه، ۱۳۸۶: ۳۰۹/۱-۳۱۰).

پیش از آن فرمان شاه برای ازدیاد افواج سرباز و سواره‌نظام تحت تعلیم گاسپار دروویل ۱ و ارسال هزینه این کار از خزانه شاهی صادر شده بود و عباس میرزا در مدت چند ماه توانست پنج شش هزار سرباز و سواره‌نظام را چنان ترتیب دهد که «همه در مشق و قدراندازی کامل و در فنون آداب حرب و قوفی زیاده از حد حاصل کردند» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). چون دستور شاه بر تهیه سی هزار نفر سرباز بود که می‌بایست به زودی آماده می‌شد، نایب‌السلطنه با همه دشواری و خطیر بودن عهده‌داری تدارک سرباز، توپخانه، زنبورکخانه و سواره‌نظام، این مسئولیت را به‌طور کامل انجام داد. دوازده هزار سرباز در ولایات آذربایجان به اهتمام قائم‌مقام فراهم و مشغول مشق شدند (همان: ۲۳۱). با اینکه نگهداری این قشون بسیار گران تمام می‌شد، در آغاز شاه با ایجاد آن موافق بود و دستور داد چهل هزار نفر بر تعداد قشون اضافه شود و بین صفوف مختلف قشون تقسیم شوند. با فرمان شاه به سرعت بیست هزار سپاهی فراهم آمد و صاحب‌منصبان انگلیسی وابسته به کمپانی هند شرقی به تعلیم آنها پرداختند و این کار تا پایان ترک مخاصمه با روسها ادامه یافت (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۶۶). این قوای جدید از بیست گردان تشکیل شده بود که چهار واحد آن با نیزه و یکی با قرابین مجهز بود. در هنگام جنگ هر کدام از این گردان‌ها می‌بایست هسته مرکزی یک هنگ را تشکیل می‌دادند (همان: ۲۷۴).

سواره‌های ایرانی، زین و برگ سنتی خود را حفظ کردند و تنها رکاب‌های اروپایی را جانشین رکاب‌های شرقی کردند. همچنین به آنها مهمیز هم داده شد که برایشان تازگی داشت. تجهیزات سواره‌نظام شامل نیزه، شمشیر، تپانچه و یک تفنگ بود. نیزه آنها از روی نمونه‌های اروپایی ساخته شد؛ اما از نیزه‌های اروپایی خیلی سبکتر و بلندتر و کاربرد آن آسانتر بود (همان: ۲۷۶). بیرق سواره‌نظام به رنگ آبی بود که به سرنیزه طلایی بسیار تیزی منتهی می‌شد (همان: ۲۷۸).

۴. توپخانه جدید

در اوایل قاجاریه نقص بزرگ قشون ایران و ناتوانی مهم آن در برابر ارتش روسیه نداشتن توپخانه کامل بود؛ به‌ویژه توپهای سنگین که در آن زمان قلعه کوب گفته می‌شد. همچنین قشون ایران در بازپسگیری قلاع نظامی ضعف عمده‌ای داشتند و شکستهای عباس میرزا بیشتر از این ناحیه بوده است. درخشش قشون قاجار بیشتر مبتنی بر حملات سواره‌نظام بود. در اصلاحات عباس میرزا، توپخانه منظم همانند سایر واحدهای قشون چه از لحاظ افراد و چه از نظر وسایل بازسازی شد و در طول زمان همانند دیگر سلاح تغییرات گوناگونی یافت. سازمان اولیه آن توسط افسران فرانسوی هیأت ژنرال گاردان گذاشته شد (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۸۷). در این زمان بود که ستوان فابویه از طرف گاردان مأمور اصلاح صنف توپخانه گردید و قول مساعد داد سالی پنجاه عراده توپ کامل مشابه توپ روسی مورد پسند فتحعلی‌شاه، تحویل دهد (نفیسی، ۱۳۶۴: ۲۱۱/۱، ۲۱۶). فابویه یک کارخانه توپ‌ریزی در اصفهان دایر کرد و به ریختن توپ‌های صحرائی پرداخت. او توپچیان ماهری را تربیت کرد (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۴۹). با تلاشهای فابویه تعداد بیست عراده توپ سنگین قلعه کوب به سبک نظام اروپایی در ایران ساخته شد. افسران دیگری که با گاردان به ایران آمدند هر یک به خدمات دیگری که مأمور آن بودند مشغول شدند و سه مرکز تعلیمات در تهران، تبریز و اصفهان تشکیل دادند و در مدت بیش از یک سالی که در ایران ماندند، به تعلیم و تربیت چهارده هزار سرباز ایرانی اشتغال داشتند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۱۲/۱، ۱۱۳).

خاوری شیرازی در خصوص ایجاد و توسعه توپخانه در عصر نایب‌السلطنه می‌نویسد: «... در دارالخلافه و دارالسلطنه تبریز بنای نظام توپخانه برپا شد و عراده‌های توانا به رسم و قاعده اروپا ساختند و در مدتی قلیل تدارک آن از اسب و اسباب دیگر مهیا و پرداخته

¹. Gaspard Drouville

شد...» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۳/۱). براساس این گزارش، این توپها با شش نفر توپچی و چهار اسب در میدان جنگ قابل حمل بود و از چابکدستی توپچیان توانا در دقیقه‌ای هفت بار پر شده و شلیک می‌شد (همانجا).

پس از رفتن هیأت فرانسوی از ایران، افسران انگلیسی دنباله کار آنان را گرفتند و ستوان لیندسی به آموزش گروه توپخانه پرداخت. دنلی، رکن اعظم نظام جدید را ساختن توپ و مشق توپ‌اندازی نظامیان ایران دانسته و اشاره کرده است که نایب‌السلطنه توپچیان چابکدستی از انگلیس و فرانسه چون مستر لنزی [لیندسی] و غیر او تعیین و مقرر کرد جوانان تنومند دلیر باغیرت و قاعده‌دان را به‌عنوان توپچی گرفتند و بنای مشق کردن نهادند (دنلی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). عباس میرزا دستور داد برخی توپ‌هایی را که فرانسویان نامناسب ساخته بودند دوباره ذوب کنند و در ریختن توپهای جدید بکار برند. با توجه به اینکه در مدت کمی فراهم کردن تعداد زیادی توپ جدید میسر نبود، پنجاه عراده توپ از هندوستان وارد کردند. هریک از این توپها دارای سازوبرگ کامل برای بستن شش اسب و هشت اسب بودند. انگلیسی‌ها سپس به آموزش توپچیان ایران پرداختند و طرز راه رفتن و مشق با شمشیر در حال پیاده را به آنها آموختند (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۸۸-۲۸۹).

با ایجاد کوره توپ‌ریزی به شیوه فرنگ، در اندک مدتی، قریب صد قبضه توپ صخره‌کوب از کوره بیرون آمد (دنلی، ۱۳۸۳: ۲۴۴؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱). با این اقدامات، توپچیان آموزش دیده ایرانی «برتر و بهتر از اهل فرنگ طریق توپ‌اندازی و رسم جنگ آموختند و خرمن عمر دشمنان را سوختند» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱). خاوری گزارش کرده که «الحال موازی دویست توپ سواره در ولایات طهران و تبریز موجود است و سپاه ایران را با این توپخانه قدرت تسلط بر دشمنان خارج و داخل معلوم و مشهود است» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۳/۱).

۵. اصلاح و نوسازی تجهیزات و تسلیحات نظامی

ضعف تسلیحاتی یکی از مهمترین معضلات قشون سنتی ایران به شمار می‌رفت و آشکارا قابل مشاهده بود. سلاحی که در دست سپاهیان ایران قرار داشت، تفنگهای سرپر و یا از نوع شمشال‌های قدیمی بود. ضعف ایران در برابر روس‌ها و تفاوت زرادخانه‌های دو کشور چنان زیاد بود که نگاه برخی نخبگان قاجاری به نظام جدید فقط کاربرد توپ و تفنگ در قشون بود. در آغاز کمبود پول و اسلحه مانع می‌شد که عباس میرزا بتواند وضع دلخواهش در نوسازی نظامی را سامان دهد. او ناگزیر سلاحهای کهنه‌ای را که از گذشته در قورخانه‌ها جمع شده و در حال از بین رفتن بود تعمیر کرد و بر روی کلیه تفنگهایی که قابلیت نصب سرنیزه داشتند، دستور داد سرنیزه قرار دهند. او از هر وسیله‌ای که در دسترس بود بهره می‌گرفت (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۵۱). در آن اوان در کشور مواد اولیه ساخت تجهیزات نیز به‌راحتی در دسترس نبود. مواد منفجره، الیاف کف برای ساخت فتیله و طنابهای محکم، سنگ چخماق و شوره کمیاب بود. سنگ چخماق را از ارامنه و روس‌ها می‌خریدند و شوره از هند وارد می‌شد (همان: ۲۹۵-۲۹۶).

نقص در قوای نظامی ایران، دولتمردان قاجار را بر آن داشت تا برای نوسازی و به‌روز کردن تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز خود در بیشتر قراردادهای منعقد با دول اروپایی همواره بر قبول کمک‌های نظامی و تسلیحات پیشرفته آنان تأکید ورزند. در این دوره، دولت ایران در جهت جلب نظر مستشاران نظامی انگلیسی و فرانسوی و بهره‌گیری از دانش فنی آن کشورها در زمینه ساخت و تولید اسلحه و راه‌اندازی کارخانجات اسلحه‌سازی در ایران تلاش می‌کرد. با پایان دوره اول جنگ ایران و روس، طبق معاهده ایران و انگلستان که در ۱۲۲۹ق/۱۸۱۴م. در تهران به امضاء رسید، دولت انگلیس برای مشق و تعلیم دادن سربازان ایرانی به مهیا ساختن افسران، تدارک اسلحه جنگی، وسایل و کارگر جهت کارخانه تبریز متعهد گشت (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۳۴/۱).

عباس میرزا ارگ‌علیشاه را در شهر تبریز برای انجام امور نظامی به قورخانه و جبه‌خانه تبدیل کرد (مارکام، ۱۳۶۴: ۵۷-۵۸). انگلیسیها در آنجا کارخانه توپریزی ساختند و توپهای خوبی ریختند و در قورخانه مایحتاج جنگ از تفنگ، گلوله و فشنگ و باروت ساختند (همان: ۵۸؛ کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۱۰۵؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۷۳۴). این کارگاه اسلحه‌سازی زیر نظر روبرت آرمسترونگ^۱ که متخصص نظامی ماهر بود تأسیس شد و اندکی بعد سالیانه سی توپ، افزونبر گلوله آن، فشنگ و عراده توپ تولید می‌کرد. یک اداره تدارکات نیز زیر نظر کلارک^۲ ایجاد شد (رایت، ۱۳۶۱: ۷۷). عده‌ای از استادکاران و کارگران ایرانی نیز در اسلحه‌خانه برای ساختن لوازم توپ و تفنگ به کار مشغول شدند. در این ایام در حدود بیست هزار قبضه تفنگ با تلاش استادکاران ایرانی به تقلید از تسلیحات انگلیسی ساخته شد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۴۴). علیقلی میرزا در این باره نوشته است: «... و دیگر مخترعات آن حضرت ساختن تفنگ به رسم انگلیس و طریق روم [عثمانی] و آن مرز و بوم است و دیگر ساختن توپ است...» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱).

در واقع تمام وسایل ضروری ارتش نامنظم (اسلحه، طبل، شیپور، فشنگدان و لوازم چرمی) در جبه‌خانه یا زرادخانه در تبریز، که دارای کارخانه تولید مهمات و تجهیزات بود، ساخته می‌شد. ریاست عالی آن با توپچی‌باشی بود (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۹۵). به گفته میرزا عیسی قائم‌مقام، توپهایی که در تبریز ساخته شدند به مراتب از توپهای ساخت اصفهان بهتر بودند. ولیعهد در تبریز به اختراع یک نوع توپ سبک توفیق یافت که با استر قابل حمل بود و می‌شد آن را با سواره‌نظام به کوهستان برد (موریه، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۱). در نظام جدید، برای افراد سواره‌نظام و پیاده‌نظام تفنگ‌های جدید از مهمترین اولویت‌ها به‌شمار می‌رفت. عباس میرزا تمام کوشش خود را بکار برد تا با خرید تسلیحات جدید و یا ساخت آن در داخل کشور با مساعدت صاحب‌منصبان نظامی اروپایی، تسلیحات مورد نیاز ارتش ایران را تأمین و نوسازی کند. در قرارداد منعقد شده بین میرزا شفیع‌مازندرانی صدراعظم با گاردان در ۱۲۲۲ ق. / ۱۸۰۸ م. فرانسه می‌پذیرد که حدود بیست هزار قبضه تفنگ به‌انضمام سرنیزه غلافدار، سوزن ماشه‌کار، پنج هزار قالب گلوله، دوهزاروپانصد گلوله‌کش و صد هزار سنگ به دولت ایران تحویل دهد. همچنین شاه ایران درخواست کرده که فرانسه تعدادی اهل حرفه در رشته‌های مختلف (که فهرست آنها در متن قرارداد آمده) به ایران بفرستد که برخی از آنها در امور نظامی است، مانند فرساز، چخماق‌ساز و سایر اسباب آهن، توپچی و عراده‌ساز، معدنکار و باروت‌ساز که حقوق آنها از جانب دولت ایران پرداخت شود (ر.ک. نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۱۹-۱۱۸).

به‌نظر می‌رسد ارسال این تجهیزات به ایران عملی نشده و از اینرو، عباس میرزا برای خرید اسلحه به مترنیک^۳ صدراعظم اتریش متوسل شده و از او خواسته نمونه‌هایی از اسلحه اروپایی را به ایران بفرستد تا از روی آنها در ایران ساخته شود. عباس میرزا با استخدام چند تن از متخصصان فرانسوی و انگلیسی از روی سلاح جدید اتریشی، نمونه‌هایی برای نیاز سربازان خود فراهم ساخت (همان: ۱۱۹). فتح‌علیشاه نیز مقرر کرده بود که اگر جنگ هندوستان و لشکرکشی به آن کشور پیش بیاید، بیست هزار تفنگ از قرار هر تفنگی سی فرانک از فرانسه بخرد (همان: ۱۱۳). هیأت انگلیسی به ریاست اوزلی هنگامی که در سال ۱۲۲۶ ق. / ۱۸۱۱ م. به ایران آمدند، مبلغی وجه نقد، سی هزار قبضه تفنگ انگلیسی برای جنگ، بیست عراده توپ قلعه‌کوب، مقداری قورخانه و سی نفر مهندس همراه با نامه و هدایای دیگر پادشاه انگلستان را که همراه داشت به فتح‌علیشاه تقدیم کرد. (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۰۲/۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

1. Robert Armstrong

2. Clark

3. Metternich

انگلیسیها در خارج شهر تبریز کارخانه باروتکوبی نیز بنا کردند (مارکام، ۱۳۶۴: ۵۸). باروت را خود ایرانیان می‌ساختند (کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۱۰۵). منشی سفارت انگلیس در حومه تبریز در دامنه تپه‌ای کارخانه باروت‌سازی را مشاهده کرده که با آب کار می‌کرده و همه آن را یک ایرانی ساخته بوده است (موریه، ۱۳۸۶: ۲/۲۶۹). این کارخانه‌های باروت‌سازی قادر بودند باروت مورد نیاز سپاهیان عباس میرزا را تهیه کنند. بنابر این، در این دوره، انتقال دانش فنی تولید سلاح شامل توپ، نمونه‌سازی از روی تفنگ‌های انگلیسی، ساخت کارخانه باروت‌سازی و سایر صنایع مورد نیاز قشون صورت گرفته است. گزارشگر هیأت سفارت روسیه به ایران در سال ۱۸۱۷ م/ ۱۲۳۳ ق. نوشته است تفنگ‌های قشون جدید غالباً انگلیسی بود. نفرات توپخانه بیشتر قداره انگلیسی و پیاده‌نظام سرنیزه داشتند (کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۱۹۵).

۶. اصلاحات نظامی در سایر امور

در راهبرد نظامی عباس میرزا در مدیریت بهتر جنگ و کارآمدسازی توان قشون، به نکات دیگری هم توجه شده که با تغییر و اصلاح آنها به روش اروپایی، روی هم رفته نظام جدید او را تقویت می‌کرده که به دلیل رعایت حجم مقاله، بدون ذکر جزئیات، به این موارد اشاره می‌شود: تغییر لباس سنتی قشون و ایجاد لباس ویژه نظامی (اونیفورم) یا لباس هم‌شکل و چکمه (کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۱۰۵، ۱۰۶؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۲۵۱، ۲۷۵؛ فلانندن، ۲۵۳۶: ۱۴۹، ۱۵۰؛ رایت، ۱۳۶۱: ۷۸)، ایجاد درجه‌ها و اصطلاحات جدید نظامی (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۰۸/۱؛ اقبال، ۱۳۸۵: ۲۰۷-۲۰۸؛ علی‌بابایی، ۱۳۸۵: ۵۴)، اصلاح، تحکیم و ساخت استحکامات نظامی به شیوه نوین و با بهره‌گیری از دانش مهندسی اروپایی، به‌ویژه در نقاط حساس مرزی (دنلی، ۱۳۸۳: ۱۴۵، ۱۷۲، ۱۹۲؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱-۲۹۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۷۸-۱۸۸)، تقویت دانش نظامی با تهیه، ترجمه و چاپ کتابهای مختلف نظامی و فنون جنگ و مهندسی نظامی با ایجاد دارالطباعه یا باسمه‌خانه در تبریز (دروویل، ۱۳۷۰: ۳۳، ۱۷۴؛ موریه، ۱۳۸۶: ۳۱۱/۱، ۳۱۲؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۹۱)، اعزام محصل به لندن برای فرا گرفتن بعضی فنون نظامی و سایر رشته‌ها (محمود، ۱۳۶۷: ۲۲۴/۱)، نوین‌سازی اردوگاه، مانورهای نظامی، مراسم سان و سلام و احترام نظامی به سبک اروپایی (ر.ک. دنلی، ۱۳۸۳: ۲۲۵-۲۲۶؛ موریه، ۱۳۸۶: ۲/۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۷۹، ۳۴۱؛ بارنزا، ۱۳۷۳: ۶۷-۶۵؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۱۵۱-۱۵۵)، برافراشتن پرچم‌هایی نظیر بیرق‌های نظامی اروپایی در هنگ‌های نظامی (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۷)؛ طرح ایده ناوگان دریایی (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶: ۳۱۱/۱؛ محمود، ۱۳۶۷: ۱۳۸/۱؛ معاهدات ننگین قاجار، ۱۳۷۵: ۵۲) با هدف برتری در عرصه جنگ و جابه‌جایی بهتر نیروها در برخی از مناطق.

بدین ترتیب، راهبرد نظامی عباس میرزا که به هدف ایجاد سپاهی با آموزش‌های نوین نظامی و مجهز به تسلیحات برتر جنگی و تغییر در شیوه جنگ برای مقابله مؤثر با تهاجمات بیرونی و شورش‌های درونی به‌کار بسته شد، با اصلاحاتی که در قشون قاجار ایجاد کرد، سپاه ایران متشکل از قوای منظم و غیرمنظم شد. قوای غیرمنظم به چند رسته تقسیم می‌شد. ۱. گارد سلطنتی و مراقبان شاهزادگان (غلام‌های شاه و شاهزاده‌ها، غلام‌های تفنگچی مجهز به تفنگ‌های فتیله‌ای)؛ ۲. سواره‌نظام شامل افواج متشکل از افراد عشایر و افواج ولایات (آتلی) که خدمتشان نه منظم بود و نه دائمی؛ ۳. فوج پیاده‌نظام جانباز دوازده هزار نفری به‌عنوان محافظان شاهی، ۴. تفنگچیهای شاه که فوج زبده چهل هزار نفره بیشتر از ایل قاجار بودند. قشون منظم نیز متشکل از پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه بود.

¹. Burnes

که از حیث تعلیمات و لباس تا حدی شبیه نظام اروپا بود (ر.ک. دروویل، ۱۳۷۰: ۲۴۵، ۲۵۹-۲۶۶، ۲۶۹؛ ملک، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳/۲-۶۶۱-۶۶۵؛ ژوبر، ۱۳۹۵: ۲۰۶؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱۳۷۳/۱-۷۳۵).

عباس میرزا با این راهبرد نظامی و اصلاحات در سازمان قشون و نوآوری در شیوه جنگ توانست در برابر روسها پیروزیهایی به دست آورد. به‌ویژه که روسها تصور نمی‌کردند که ایرانیان چنین توانی در ایجاد و به‌کارگیری سلاح آتشین (تفنگ و توپ) پیدا کرده باشند (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۳). براساس یادداشتهای وقایع‌نگار، عباس میرزا از وجود معلمین فرانسوی به خوبی بهره‌گرفت تا حدود هفتاد هزار عشاير را با آداب نظام جدید آشنا کرد و تمام شاهزادگان نیز از رسوم جنگی جدید، به‌طرز صف‌آرایی اروپایی، آگاهی یافتند و تعداد زیادی توپهای سبک صحرائی به‌وجود آوردند (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۵۶).

با اینکه افسران و مربیان فرانسوی و انگلیسی به تعلیم سپاه جدید مشغول بودند؛ اما ترقی این قشون بیشتر به سبب تلاشهای شخص عباس میرزا بود که حتی در لباس و اسلحه ایشان دقت داشت که مانند سپاه منظم اروپا باشد (ملک، ۱۳۸۳: ۲/۶۶۴). او شخصاً در مکانهای تعلیم سربازان حاضر می‌شد و به صفوف و ترتیب آنها توجه می‌کرد و هر کدام را که در چابکی و آدابانی جنگ ترقی داشت مورد انعام و احسان قرار می‌داد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). از توپخانه و عمارت باروتخانه تبریز که در بیرون شهر به طرح باروتخانه اروپایی ساخته شده بود بازدید می‌کرد (همان: ۲۲۸، ۲۲۹).

در کنار عباس میرزا، نقش میرزا عیسی قائم‌مقام بزرگ در ایجاد نظام جدید ستودنی است. فتحعلیشاه این مرد کاردان را به وزارت شاهزاده تعیین کرد و او مشاور مفیدی در ایجاد نظام جدید به‌شمار می‌رفت (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/۱۰۵؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۹؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۸۹، ۲۹۴، ۳۹۶-۳۹۷؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۱۷۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۳۴). جیمز موریه از میرزا عیسی به‌عنوان بزرگترین مردی که در ایران دیده یاد کرده است و سخنان او را درباره اصلاحات، که همه را به کفایت و کاردانی عباس میرزا منتسب می‌کرد بدون ذکر نقش خود، نقل کرده است. به نقل میرزا بزرگ، ولیعهد در عرض یک سال توپخانه خود را چنان کامل کرد که با توپخانه دشمن، یعنی روسها، برابری می‌کرد. پیاده‌نظام فعلی در فن کاربرد اسلحه کامل شد و به حدی رسید که حریف سربازان روسی شدند (موریه، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۰-۳۱۱). همچنین پسر میرزا بزرگ، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام (قتل ۱۲۵۱ق./۱۸۳۵م.)، نیز از مشاوران و حامیان عباس میرزا در ایجاد اصلاحات و نوآوریهای نظامی و مدیریت جنگها بود و خدمات ارزنده‌ای در این راه انجام داد (ر.ک. اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۳۹۸).

نتیجه

عباس میرزا تا پیش از آغاز جنگ دوره اول با روسیه، برای برقراری امنیت داخلی و تثبیت موقعیت حکمرانی خود، بنا به ضرورت اقداماتی را در قشون ایالتی خویش در تبریز صورت داد و تشکیلات نظامی آن را تکمیل و تحولاتی را در شئون نظامی به‌وجود آورد. این تمهیدات اولیه، آرامش و امنیت را برای مردم به ارمغان آورد. او پس از سرکوبی گردنکشان داخلی، حفظ و حراست مناطق آن سوی ارس را، برعهده گرفت. سیاست توسعه‌طلبی و حمایت دولت روسیه از خان‌نشینان قفقاز، برخورد نظامی میان ایران با آن کشور را اجتناب‌ناپذیر کرد. در برابر برتری تسلیحاتی و سازمانی روسیه، عباس میرزا دریافت که ایران به سرعت باید به علوم و فنون نوین نظامی مجهز شود تا در صحنه‌های جنگ دست برتر را داشته باشد. برای این هدف، قدرت برتر در عملیات نظامی، کاهش شکست و حصول پیروزی، راهبرد نظامی خود را بر تغییر در سازمان قشون، ابزار و منابع نظامی و روش‌های جنگی قرار داد و درصدد تجدید سریع سازمان قشون ایران افتاد. در این راهبرد، سیاست بهره‌گیری از فنون، تسلیحات و آموزشهای اروپایی در دستور کار قرار گرفت. عباس میرزا از این فرصت برای پیشبرد راهبرد نظامی خود بهره‌کافی برد و برای مقابله بهتر با قشون منسجم و منظم روسیه، که از هر

حیث بر قوای ایران برتری داشت، کوشش خود را برای موفقیت طرح نوسازی قشون به کار بست. اقدامات اصلاحی در آغاز، پیاده‌نظام و توپخانه ایران را شامل می‌شد؛ اما به تدریج سایر بخشها را نیز متأثر و متحول نمود. راهبرد نظامی عباس میرزا که نظام جدید را (متشکل از قشون نوین و ایالتی) شکل داد، به دلیل برخورداری از برتری تسلیحاتی و لجستیکی و پشتیبانی آتش توپخانه در سرکوب چندین شورش مهم داخلی در مرکز کشور و همچنین بین گردهای شمال غرب و ترکمن‌های شمال شرقی سرحدات ایران خوب عمل کرد و امنیت و ثبات لازم را در میان ایلات و عشایر این نواحی برقرار کرد. این راهبرد در برابر قوای روسیه و عثمانی نیز به موفقیت‌هایی دست یافت. بنابراین راهبرد او تغییر وضعیت سنتی قشون با نوین‌سازی آن و ایجاد نظام جدید، افزایش کارایی قوای نظامی در جنگها، مجهز ساختن به سلاح تأثیرگذار توپ و تفنگ و منظم ساختن سپاه، به هدف برتری یافتن در میدان پیکار و حفظ حاکمیت قاجاریه بر جغرافیای سیاسی ایران بوده است. هرچند مشکلات و موانع متعددی به‌اضافه کمبود فرصت برای به انجام رساندن و کامل کردن اصلاحات نظامی و سپس مرگ زودهنگام عباس میرزا و تداوم نیافتن نظام جدید، باعث شد این راهبرد مؤثر نظامی که در زمان خود از پشتیبانی سیاست و اندیشه سیاستمدار به‌عنوان یک مزیت برخوردار بود، به فرجام مؤثر و متداومی نینجامد.

منابع

- احمدوند، علی محمد (۱۳۸۶). «درباره راهبرد؛ مقدمه‌ای بر تدوین طرح راهبردی در ناجا»، توسعه انسانی پلیس، سال ۳، شماره ۱۰.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۹۵). اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ق). به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۵). میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- بارنز، آکس (۱۳۷۳). سفرنامه بارنز؛ سفر به ایران در عهد فتحعلیشاه قاجار، ترجمه حسن سلطانیفر، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بینا، علی اکبر (۱۳۸۳). تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- حسنلو، خسرو (۱۳۸۸). مروری بر مفاهیم جنگ و بررسی تأثیر ویژگی جنگ‌های آینده بر سیاست دفاعی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین، تصحیح ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۱). «تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم استراتژی»، مطالعات راهبردی، سال ۱۵، شماره ۴.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰). سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویز.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). متأثر سلطانی، به کوشش فیروز منصوری، تهران: اطلاعات.
- رایت، دنیس (۱۳۶۱). نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران: فرخی.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱). آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران: ققنوس.
- ژوبر، پیر آمده (۱۳۹۵). مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب، تهران: علمی و فرهنگی.
- ساروی، محمد فتح‌الله (۱۳۷۱). تاریخ محمدی «احسن التواریخ»، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شهلائی، ناصر؛ مهنیا، احمد و حسین ولی‌وند زمانی (۱۳۸۷). نظریه‌های راهبردی، تهران: دافوس آجا.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴). «جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، رواق اندیشه، ش ۶.

- صلحجو، علی (۱۳۸۴). استراتژی چیست؟، امید انقلاب، شماره ۳۶۱.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۹). ژئواستراتژی و قرن بیست‌ویکم، تهران: سمت.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۵). تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی)، تهران: آشیان.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- قوزانلو، جمیل (۱۳۱۵). تاریخ نظامی ایران، تهران: شرکت مطبوعات.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۹). جنگ و صلح در ایران دوره قاجار، ساختن یک ارتش نو، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- کلاتری، فتح‌الله (۱۳۹۴). «کاربست سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و راهبرد نظامی»، سیاست دفاعی، سال ۲۳، شماره ۹۲.
- کوتزبویه، موریس دو (۱۳۴۸). مسافرت به ایران به‌مهیت سفیرکبیر روسیه در سال ۱۸۱۷، ترجمه محمود هدایت، تهران: امیرکبیر.
- گاردان، کنت آلفرد دو (۱۳۶۲). خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به‌کوشش همایون شهیدی، تهران: گزارش فرهنگ و تاریخ ایران.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۴). تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران.
- محمود محمود (۱۳۶۷). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، تهران: اقبال.
- معاهدات ننگین قاجار (۱۳۷۵). به‌اهتمام سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: فرنگیس.
- ملکم، سر جان (۱۳۸۳). تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: سنایی.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه، ج ۱ سفر اول و ج ۲ سفر دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نخجوان، احمد (۱۳۱۸). جنگ، تهران: چاپخانه فردین و برادر.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: بنیاد.
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی امنیتی، تهران: سنا.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران در سالهای ۱۷۹۹، ۱۸۰۰ و ۱۸۰۱، ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران: کتابسرا.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۸۰). روضه‌الصفای ناصری، تصحیح جمشیدکیانفر، ج ۹، تهران: اساطیر.
- همبلی، گاوین (۱۳۸۷). «آغامحمدخان قاجار: تحکیم قدرت» در: تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار، از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، پتر آوری و همکاران، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران: جامی.
- وقایع‌نگار (هما) مروزی، محمدصادق (۱۳۶۹). تاریخ جنگهای ایران و روس (آهنگ سروش)، گردآورنده حسین آذر، تصحیح امیرهوشنگ آذر، بی‌جا: مصحح.

-Busse, H. (1985), "Abbas Mirza Qajar", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I, Fasc. 1, London, available online at <http://www.iranicaonline.org>.

- Cronin, Stephanie (2012) "Army v. Qajar Period", *Encyclopædia Iranica*, online edition, available at <http://www.iranicaonline.org>.

-Laykke, Arthur F. (1997), "Defening Military Strategy", *Military Review*, The Professional Journal of the U. S. Army, 101 years, January- February.